

«فرماندهی دل‌ها»

آموختنی‌ها

۱. تقویت روحیه وطن‌دوستی و دفاع از میهن
۲. آشنایی با حماسه دفاع مقدس
۳. تقویت ساخت کلمات مرکب با «ناپذیر»

جعبه کلمات

کلمات مترادف

- اعتقاد: باور
متجاوز: ستمگر
مسئولیت:
تسخیرناپذیر:
دژ: حصار
اشغال:
نفوذ:
مانع: سد
درنگ: صبر

کلمات متضاد

- خنده = گریه
سنگین = سبک

کلمات هم‌خانواده

- مانع، منع، ممانعت
نظام، ناظم، نظم
وصف، توصیف

- مهلکه:
ترجیح:
پیک:
محور: مرکز
نظاره می‌کند: نگاه می‌کند
وصف‌ناپذیر:
سقوط:
عملیات: فعالیت‌ها، کارها
تکبیر: الله اکبر گفتن

- آزادی = اسارت
سخت = آسان

- اعتقاد، معتقد
محتاج، احتیاج
شکر، تشکر، شاکر

- محتاج: نیازمند
مقابله: روبرویی، مواجهه
بی‌وقفه: بی‌درنگ، پشت سرهم
هم‌رزم: هم‌سنگر، هم‌نبرد
مقاومت:
سقا:
مظلوم:
گردان: یک واحد نظامی که از چهار گروهان تشکیل شده است.

- فرار = قرار
پاک = ناپاک

- تسلیم، اسلام، مسلم
مظلوم، ظالم، ظلم



دشمن برای نیروهایش دژی تسخیرناپذیر ساخته بود تا برای همیشه خرمشهر را در اشغال داشته باشد. اولین گروه رزمندگان به دشمن حمله کردند. آتشبارهای عراقی یک‌دم، خاموش نمی‌شدند. شور و شوقی وصف‌ناپذیر وجود حسین را در بر گرفته بود. او و هم‌زمانش در نقطه‌ای قرار گرفته بودند که مردم ایران هر لحظه برای آزادی آن دعا می‌کردند. خرمشهر بوی جهان آرا و دوستان شهیدش را می‌داد.

او برای نفوذ به دژی که عراقی‌ها آن را نفوذناپذیر می‌دانستند، یارانش را آماده کرد. دشمن چند گردان تازه‌نفس خود را برای مقابله، راهی میدان کرد. فریاد حسین از هر طرف به گوش می‌رسید: «دست خدا با ماست، بجنگید دلاوران» و نیروها، خستگی‌ناپذیر و با شجاعت جلو می‌رفتند.

دژ دشمن شکسته شد. فریاد تکبیر نیروهای ایرانی، دشمن را به وحشت انداخت.

عراقی‌ها پا به فرار گذاشتند. شلیقه برایشان گورستانی شده بود. جای شهیدانی همچون «خرازی» بنام محمدی، جهان آرا و ... که دوست داشتند آزادی خرمشهر را ببینند خالی بود.

هنگی خوشحال و امیدوار بودند چون می‌دانستند که خداوند اراده کرده است تا خرمشهر را آزاد کند. دانش آموز عزیز این درس هم بیانگر رشادت‌ها، شهادت‌ها، ایثار و فداکاری بزرگ مردانی است که باعث آرامش و آسایش امروز ما هستند. آن‌ها رفتند و شهید شدند تا ما امروز بتوانیم راحت زندگی و تحصیل کنیم و در کنار خانواده‌های خود باشیم.

در زمان جنگ، هر جوان ایرانی سلاحش غیرت و ایمان و اندیشه بود و بدون هیچ چشم داشت و خواستایی، فقط و فقط برای حمایت مردم کشورش به جبهه می‌رفت.

بخوان و بدان



ساخت واژه‌ی جدید با «ناپذیر»

برنا امروز سرگرم خواندن کتابی بود که پدر بزرگ به او هدیه داده بود. او، هنگام خواندن، چشمش به کلمه‌هایی افتاد که همگی با واژه‌ی «ناپذیر»، ترکیب شده بودند.

مثال:

بچه گنجشک با تلاش خستگی‌ناپذیر خود به آنچه می‌خواست رسید.

خوشحالی وصف‌ناپذیرش حیوانات جنگل را خوشحال کرد.

اما او نمی‌دانست که رفتن به قلّه‌ی کوه امکان‌پذیر است.

در ذهن پرسشگر برنا سؤال پیش آمد. برای همین به سراغ مادرش رفت و در مورد این کلمه‌ها از او پرسید.



مادر گفت: اضافه کردن «ناپذیر» به معنی «عملی نشدن»، معنای جدیدی به کلمه می‌دهد. مثلاً:

وصف ناپذیر ← یعنی چیزی که نمی‌توان آن را توصیف کرد.

امکان ناپذیر ← یعنی چیزی که امکان ندارد اتفاق بیفتد.

خستگی ناپذیر ← یعنی کسانی که به آسانی خسته نمی‌شوند.

برنا از اینکه کلمات بیشتری یاد گرفته بود بسیار خوشحال شد و رفت تا ادامه‌ی داستان را بخواند.

املا دان



همان‌طور که می‌دانید در زبان فارسی تعدادی از حروف صدای یکسانی دارند ولی نوشتار آن‌ها متفاوت است. با دقت به این موضوع

می‌توانی املاي خود را تکویت نهایی.

دانش آموز باهوشم با توجه به متن درس به سوالات پاسخ بده.

الف: با استفاده از حروف (س - ص) حروف جا افتاده از کلمه‌های زیر را بنویس.

م نولیت قوط	ق ه
و ف ناپذیر	ح اس	ت خیر ناپذیر
..... خت	م ر خ ی خگینی

ب: در جمله‌های زیر کلمه صحیح را در جای خالی قرار بده.

- متجاوزان خرمشهر را به در آورده بودند. (اشغال - اشغال)
- پیش رو، خیلی مهم و حساس بود. (عملیات - املیات)
- نگران نباش مؤمن! باش. (مطمئن - متمئن)
- حسین ایستاده بود و با نگاهی خیره دور دست را می‌کرد. (نزاره - نظاره)
- او همیشه را ناتمام می‌گذاشت تا بچه‌ها منتظر دیداری بعدی و شنیدن بقیه آن باشند. (قصه‌هایش - قصه‌هایش)
- بالگردهای دشمن در تلاش بودند فرماندهان را از میدان نبرد نجات دهند. (نظامی - نظامی)
- وقتی حسین، شهر را دید به یاد شهادتی افتاد که دوست داشتند آزادی خرمشهر را ببینند. (مظلومی - مظلومی)
- بقیه‌ی دشمنان فرار را بر قرار (ترجیه دادند - ترجیح دادند)





۱ کلمه‌ی «ناپذیر» با کدام واژه‌ها ترکیب می‌شود؟ وصل کن.

ناپذیر



- دیدار
- تسخیر
- تعطیل
- فساد
- پایان
- اعتقاد
- برگشت
- فریاد

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: هم‌خانواده‌ی کلمه‌ی «ضربه»، واژه‌ی «ضرر» است.

ب: حسین به دعلهای مردم اعتقاد عجیبی داشت.

پ: به «پذیرفتن» و به عهده گرفتن انجام کاری، «انکارناپذیر» می‌گویند.

ت: مخالف واژه‌ی «بی‌وقفه»، «درنگ» است.

۳ ابتدا جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب کامل کن. سپس از بین آن‌ها دو کلمه به دلخواه انتخاب کرده و در یک جمله به کار ببر.

شکست‌ناپذیر - اصلاح‌ناپذیر - وصف‌ناپذیر - امکان‌ناپذیر

الف: شوق یعنی شوقی که به آسانی نمی‌توان آن را توصیف کرد.

ب: رفتار یعنی رفتاری که هیچ وقت اصلاح و درست نمی‌شود.

پ: نیروهای یعنی نیروهایی که هرگز شکست نمی‌خورند.

ت: کار یعنی کاری که با این شرایط امکان ندارد و غیرممکن است.

جمله

۴ الف: در هر گروه از کلمات زیر یک کلمه با بقیه ناهماهنگ است؛ رنگ بزن و آن را در جای خالی بنویس.

		خونین شهر	شلمچه	جهان‌آرا	خرمشهر
		تجدیدناپذیر	شگفت‌انگیز	تغییرناپذیر	خستگی‌ناپذیر
		خاک‌آلود	رزندگان	جنگ	جبهه



ب: با کلمات رنگ شده یک بند بنویس.

.....

.....

.....

.....

۵ هم‌معنی کلمات زیر را از جدول پیدا و رنگ کن. سپس آنها را بنویس.

س	ت	م	گ	ر	ا	ن
پ	ا	و	ر	ص	ب	ر
ق	ل	ع	ه	د	د	ی
ج	ا	ی	گ	ذ	ر	ش
ت	ص	م	ی	م	ا	ن
پ	ر	گ	ز	ی	د	ن
و	ا	ر	د	ش	د	ن

 <p>نقوذ</p> <p><input type="text"/></p>	 <p>اراده</p> <p><input type="text"/></p>	 <p>ترجیح دادن</p> <p><input type="text"/></p>	 <p>گذرگاه</p> <p><input type="text"/></p>
 <p>اعتقاد</p> <p><input type="text"/></p>	 <p>درنگ</p> <p><input type="text"/></p>	 <p>مجاوران</p> <p><input type="text"/></p>	 <p>دژ</p> <p><input type="text"/></p>

حالا با توجه به اطلاعات بالا فعالیت‌های زیر را انجام بده.

الف: حروفی که رنگ نشده است را کنار هم قرار بده تا رمز جدول به دست آید.

کلمه‌ی رمز جدول:

ب: با کلمه‌ی رمز جدول، جمله‌ای زیبا بنویس.

.....

جمله



۶ جمله‌های زیر از چه نوعی هستند؟ نوع هر کدام را مشخص کن و بنویس. (خبری - امری - پرسشی - تعجبی)

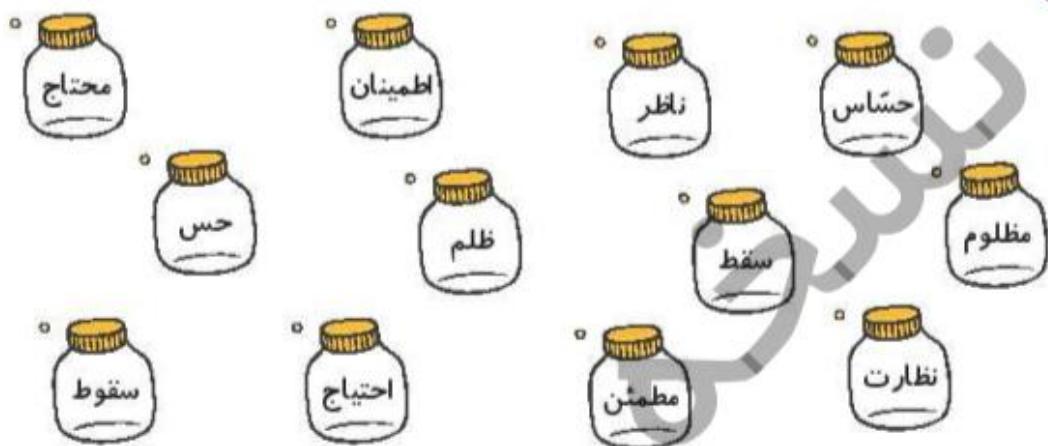
الف: مسجد جامع شهر مرکز مقاومت جوانان بود.

ب: بچنگید دلاوران.

پ: چه کسی فرمانده دلهاست؟

ت: چه رزمندگان دلاوری!

۷ کلمات هم خانواده را مثل هم رنگ بزن.



۸ با توجه به متن درس «فرماندهی دلها»، ترتیب اتفاقات را شماره گذاری کن.

از نشانه‌هایش هم همین است که دشمنان به جان هم افتاده‌اند.

حسین، نگاهی به پیکی که خبر آورده بود، انداخت.

حسین ایستاده بود و با نگاهی خیره، دور دست را نظاره می‌کرد.

دیگر برای آزاد کردنش جای درنگ نبود.

دژ دشمن شکسته شد، فریاد تکبیر نیروهای ایرانی دشمن را به وحشت انداخت.

۹ با توجه به تصویر زیر یک داستان کوتاه بنویس.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۱۰ با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: در عبارت «بالگردهای دشمن فرار را بر قتل ترجیح دادند»، فعل جمله کدام است؟

- ۱) فرار ۲) ترجیح ۳) دادند ۴) ترجیح دادند

ب: نام کدام یک از شهدای جنگ تحمیلی در متن درس نیامده است؟

- ۱) شهید خرازی ۲) شهید محمدی ۳) شهید حسینی ۴) شهید جهان آرا

پ: با توجه به متن داستان «فرشته‌ی یک کودک»، کدام جمله نادرست است؟

- ۱) کودک مطمئن نبود که می‌خواهد پرواز کند.
 ۲) فرشته کودک مادر او بود.
 ۳) کودک می‌دانست که باید به زودی سفرش را آغاز کند.
 ۴) کودک در دنیای قبلی غمگین بود.

ت: برای کلمه‌های زیر به ترتیب صفت‌های کدام گزینه مناسب‌تر است؟

- گردان، گذرگاه، صورت، دلاوران، شهر،
 ۱) وصف ناپذیر، تنگ، زیبا، خسته، آرام
 تازه نفس، باریک، خاک آلود، با ایمان، معلوم
 ۲) صبور، خستگی ناپذیر، شگفت انگیز، شهر، دلاوران
 ۳) خشک، بلند، اشک آلود، بی‌وقفه، آرزوها





متن زیر را بخوان و جلهای خالی را با کلمات (و- اما- ولی- چون) کامل کن و در ادامه به سوالات پاسخ بده. (از بعضی از

کلمه‌ها می‌توانی چند بار استفاده کنی)

روزی روزگاری در زمان‌های قدیم، جوانی زورمند در بیابانی می‌رفت که ناگهان صدای وحشتناکی شنید جلوتر رفت. خرسی را دید که در چنگ اژدهایی بزرگ گرفتار شده است. شمشیرش را کشید در یک لحظه اژدها را به هلاک رساند.

از آن پس، خرس با جوان دوست شد. مردم او را از دوستی با خرس منع می‌کردند، جوان گمان می‌کرد که آن‌ها دچار حسادت شده‌اند در یکی از روزها، جوان از خستگی در کنار درختی دراز کشید به خواب رفت. ناگاه مگسی بر پیشانی او نشست. خرس، چند بار مگس را دور کرد فایده‌ای نداشت. پس تصمیم گرفت درسی به مگس بدهد؛ مزاحم دوستش شده بود. خرس نادان، سنگ بزرگی برداشت و بر صورت دوست مهربانش کوبید به گمان آن‌که با این کار فقط مگس را خواهد کشت.

الف: جوان اژدها را در کجا دید؟

ب: چرا مردم، جوان را از دوستی با خرس منع می‌کردند؟

پ: به نظر شما خرس در حق جوان دوستی کرد یا دشمنی؟

ت: این داستان شما را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟

